

اعلام آماده باش برای جنگ ایران و عربستان

یک کارشناس مسائل خاورمیانه به بررسی آینده روابط عربستان و ایران پس از بحران قتل خاشقچی پرداخته است.



به گزارش آران نیوز: بالاخره عربستان قتل خاشقچی را تایید کرد. در حال حاضر وضعیت بر خلاف خاندان سعودی پیش می رود. محمد بن سلمان که در ابتدای حضور خود در قدرت به فکر یک عربستان مدرن بود و در این مسیر اصلاحات خاصی را پیش برد، حالا در تنگنای عجیبی گرفتار شده است. او به دست داشتن در قتل خاشقچی روزنامه نگار عربستانی متهم است و سخت بتواند از این وضعیت به راحتی بیرون بیاید. اما در این وضعیت درونمای روابط ایران و عربستان چه خواهد شد؟ می توان انتظار رکود طولانی مدت این روابط را داشت یا وضعیت دیگری رقم خواهد خورد؟ در این باره با جلال چراغی کارشناس مسائل خاورمیانه گفت و گو کرده ایم که از نظر می گذرانید.

- اول اینکه به نظرتان موضوع خاشقچی چه تاثیری می تواند در روابط ایران و عربستان بگذارد. برخی می گویند این موضوع رکود شدیدی را در این روابط ایجاد خواهد کرد. برخی می گویند احتمال آب شدن یخ روابط وجود دارد. نظر شما چیست؟
به نظر می رسد که موضوع خاشقچی در روابط دیپلماتیک ایران و عربستان چندان تأثیرگذار نخواهد بود. البته، مقام های جمهوری اسلامی ایران درباره موضوع خاشقچی اظهار نظر نکردند و در این باره سکوت اختیار کردند که مقام های عربستان می توانستند، این سکوت را مثبت ارزیابی کنند و آن را به نوعی پیام مثبت از سوی ایران، قلمداد کنند، اما به نظر می رسد که چنین نکردند. سخنان مداخله جویانه چند روز پیش «عبدالله المعلمی»، سفیر و نماینده دائم عربستان سعودی در سازمان ملل متحد، علیه ایران و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی که جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی را متعلق به امارات عربی متحده دانسته بود، گواهی گویا بر این مدعاست. المعلمی می توانست با در نظر گرفتن موضع کنونی جمهوری اسلامی ایران درباره ربایش و قتل خاشقچی در استانبول ترکیه، مواضع مثبتی درباره ایران اتخاذ کند و در نتیجه بستر بهبودی روابط آینده دو کشور را فراهم کند، اما نه تنها چنین نکرد، بلکه تلاش کرد به دامنه تنش بین ایران و متحدان منطقه ای آن با عربستان دامن بزند. نماینده عربستان افزون بر ایران، درباره سوریه نیز سخنان مداخله جویانه ای ایراد که البته، با واکنش شدید بشار الجعفری، سفیر و نماینده دائم سوریه در سازمان ملل متحد مواجه شد. بنابراین، گمان نمی رود که عربستان در سایه قدرت محمد بن سلمان، ولیعهد پادشاه این کشور، در مقام آب کردن یخ موجود در روابط دیپلماتیک برآید.

- به نظرتان کنگره می تواند ترامپ را به تحریم عربستان وادارد یا آمریکا از کنار این موضوع عبور خواهد کرد؟
تلاش های برخی از اعضای کنگره و سنا و اعمال فشار آن ها بر کاخ سفید و دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، درباره پرونده جمال خاشقچی، ممکن است ترامپ را تحت فشار قرار دهد، اما به نظر نمی رسد کنگره بتواند ترامپ را متقاعد یا وادار کند که علیه عربستان سعودی و به طور مشخص محمد بن سلمان اقدام کند و حتی در جهت برکناری وی برآید. به نظر می رسد که کنشگری های اعضای کنگره درباره پرونده قتل جمال خاشقچی و تلاش برای اعمال فشار بر دونالد ترامپ، بر اعمال تحریم علیه عربستان سعودی، در چارچوب تحولات داخلی آمریکا، به ویژه انتخابات میان دوره ای کنگره در آینده نزدیک صورت می گیرد. این نکته شایان اشاره است که احتمال دارد که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، در طرح و نقشه خود برای کشتن جمال خاشقچی، روزنامه نگار منتقد آمریکا، با مقام های آمریکایی یا دست کم اشخاصی چون جارید کوشنر، داماد و مشاور ارشد، دونالد ترامپ، هماهنگ بوده است و بن سلمان با تکیه بر حمایت های کوشنر و شخص ترامپ، به چنین خطر خطیری اقدام کرده است. اکنون برخی از اعضای کنگره و سنا تلاش می کنند در چارچوب طرح های انتخاباتی خود، از یک طرف خود را همگام و همراه با خواسته های افکار عمومی مردم آمریکا و از طرف دیگر با فشارها و دغدغه های رسانه ها و اصحاب آن عمل کنند و خود را حامی حقوق بشر و حقوق خبرنگاران و آزادی بیان و آزادی اندیشه نشان دهند. ترامپ نیز تلاش می کند از یک طرف از وجود چنین فشارهایی علیه عربستان بهره برداری کند تا بتواند در سایه چنین فشارهایی از عربستان باج بیشتری بگیرد و از طرف دیگر خود را حامی حقوق خبرنگاران و به طور کلی حقوق بشر در آمریکا نشان دهد. از این روست که این روزها دچار تناقض گویی درباره موضوع خاشقچی شده است.

- چشم انداز تحولی سیاسی در خاندان سعودی وجود دارد یا محمد بن سلمان در حال حاضر با قدرت ساختار سازی خود توانسته است جای خود را محکم کند و موضوع خاشقچی صدمه ای به او وارد نخواهد کرد؟

تمام رخدادها و حوادثی که به طور زنجیروار در دوره ولیعهدی محمد بن سلمان روی می دهد، همگی با هدف شایسته جلوه دادن بن سلمان برای سمت پادشاهی عربستان صورت می گیرد. بن سلمان نخست با طرح موضوع چشم انداز 2030 تلاش کرد از خود چهره ای اصلاحی چه برای داخل و چه برای خارج و به ویژه غرب، مطرح و خود را گزاره ای شایسته برای آینده عربستان معرفی کند. اقدامات داخلی بن سلمان چون سرکوبگری علیه شاهزادگان سعودی و بازداشت فله ای دست کم 200 شاهزاده در هتل ریتز کارلتون ریاض، بازداشت مبلغات دینی معروف چون «سلمان العوده» و بازداشت نخست وزیر یک کشور دیگر چون «سعد الحریری» و مجبور کردن او به استعفا، همگی دلالت بر این دارد که برنامه ها و طرح های او مبتنی بر دواندیشی و منطق

نیست. در سطح خارجی نیز او در موضوع جنگ یمن شکست خورده و نتوانست اهداف این جنگ را، که گمان می کرد ظرف یک ماه به آن فیصله می دهد و با اشغال صنعاء رئیس جمهور فراری یمن را به آن بازگرداند، شکست خورده است. در موضوع سوریه، عراق و لبنان نیز سیاست های بن سلمان راه به جایی نبرده است. بنابراین، سیاست های داخلی و خارجی بن سلمان که مبتنی بر سرکوب و شتابزدگی است، مانع از ایجاد بستری برای سرمایه گذاری اقتصادی و در نتیجه به سرانجام رسیدن طرح چشم انداز 2030 خواهد شد.

درباره تأثیر قتل خاشقجی بر آینده بن سلمان نیز می توان چنین گمانه زنی کرد که بن سلمان در این عملیات به متحدان آمریکایی خود مانند ترامپ و داماد وی تکیه کرده بود و تصور نمی کرد که قتل این روزنامه نگار، پیامدهای این گونه ای داشته باشد که حتی پایه های پادشاهی آینده او را به لرزه در آورد. غربی ها برای خود اصولی برساخته اند که نمی توانند از آن عبور کنند. این اصول آن ها- اگر چه ظاهری و فریبکارانه است- اما آن ها نمی توانند به طور آشکارا آن ها را نادیده انگارند. از این رو، غربی ها، به ویژه آمریکایی ها، اکنون بیشتر به گرفتن باج های کلان از عربستان فکر می کنند و با مطرح کردن گزینه های دیگری برای پادشاهی و حتی ولیعهدی عربستان، درصدد اعمال فشارهای بیشتر بر بن سلمان درصدد گرفتن بهره بیشتر از کیک قتل خاشقجی هستند. از این رو، می توان گفت که قتل خاشقجی ضربه مهلکی بر بن سلمان وارد کرد که وی اگر برکنار نشود، دست کم تا مدت ها باید تاوان آن را بپردازد.